



# ایمان ما

سیره دو ائمه امام

تألیف:

استاد علی محمد علی دخیل

مترجم:

استاد سید محمد صالحی

سر شناسه	دخیل، علی محمد علی، ۱۹۳۶ - م.
عنوان قراردادی	اثمتنا سیره الائمه الاثنی عشر علیهم السلام. فارسی.
عنوان و نام پدیدآور	امامان ما (سیره دوازده امام علیهم السلام) / علی محمد علی دخیل؛ مترجم سید محمد صالحی.
مشخصات نشر	تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	۷۵۲ ص.
شابک	978-964-440-641-6
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
یادداشت	نمایه.
موضوع	ائمه اثنا عشر -- سرگذشتنامه.
موضوع	Imams (shiites) -- Biography
موضوع	ائمه اثنا عشر -- فضایل.
موضوع	Imams (shiites) -- *Virtues
نمونه افزوده	صالحی، سید محمد، ۱۳۱۳ - ، مترجم.
رده‌بندی کتبه	BP۳۶/۵
رده‌بندی کتبه	۲۹۷/۹۵
شماره کتابشناسی	۶۰۴۳۶

تهران - خیابان پامنار - بنی هاشم - پلاک ۱۲  
 تلفن: ۳۳۹۳۳۳۷۷ - ۵۵۶۲۰۴۱۰ - ۵۵۶۲۷۴۴۹  
 فروشگاه: تهران - خیابان انقلاب - بازارچه کتاب - پلاک ۱۰  
 تلفن: ۶۶۴۰۸۴۴۱



## امامان ما (سیره دوازده امام علیهم السلام)

مؤلف: علی محمد علی دُخیل

مترجم: سید محمد صالحی

- چاپ: اول، ۱۳۹۸ ش.
- تعداد صفحات و قطع: ۷۵۲ ص، وزیری.
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- لیتوگرافی: اطلس نوین
- چاپ: گلپان
- ناشر: دارالکتب الاسلامیه
- شابک: ۶ - ۶۴۱ - ۴۴۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۴۱ - ۶ / ISBN: 978-964-440-641-6
- حق چاپ برای ناشر محفوظ است
- قیمت: ۱۲۰۰۰۰۰ ریال

## فهرست مطالب

۲۱	..... مقدمه
۲۱	..... امامت
۲۴	..... امامت به چه چیز ثابت می‌گردد؟
۲۵	..... چرا وجود امام واجب است؟
۲۵	..... چه کسی امام است؟
۲۷	..... تصریح رسول خدا ﷺ بر امامت ائمه
۲۹	..... احادیث بخش اول
۳۱	..... احادیث بخش دوم
۳۹	..... امام امیرالمؤمنین
۴۲	..... شناسنامه امام امیرالمؤمنین
۴۴	..... سرچشمه همه نیکی‌ها
۵۰	..... امام علی در قرآن کریم
۵۶	..... امام علی در احادیث رسول خدا
۵۷	..... سیره امیرالمؤمنین
۵۹	..... خطبه‌های آن حضرت
۶۰	..... خطبه امام علی درباره تشویق به جهاد و انتقاد آن حضرت از افراد سست
۶۱	..... و از وصیت آن حضرت
۶۲	..... نامه آن حضرت به حارث همدانی:
۶۳	..... حکمت‌های آن حضرت
۶۵	..... پاسخ‌های امام علی
۶۵	..... از جمله پاسخ‌گویی‌های آن حضرت:

۶۸	..... قضاوت‌های امام علی <small>علیه السلام</small>
۷۴	..... دعاهای کوتاه آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۷۵	..... ۱. از دعاهای آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۷۶	..... ۲. دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small> وقتی به هلال ماه نگاه می‌کرد:
۷۶	..... ۳. دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small> در دهه اول ذی‌الحجه:
۷۶	..... ۴. دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small> بعد از نماز واجب:
۷۷	..... ۵. از حضرت صادق <small>علیه السلام</small> روایت شده است که امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در سجده شکر می‌فرمود:
۷۷	..... ۶. از دیگر دعاهای آن حضرت <small>علیه السلام</small> :
۷۸	..... ۷. دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small> در صبحگاهان:
۷۸	..... ۸. دعای یگانه از آن حضرت <small>علیه السلام</small> :
۷۸	..... ۹. از دعاهای آن حضرت <small>علیه السلام</small> :
۷۹	..... ۱۰. دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small> بعد از ختم قرآن:
۷۹	..... استجابات دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۸۰	..... شعر آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۸۵	..... صدقات و موقوفات آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۸۶	..... سخنان صحابه و تابعین درباره امام <small>علیه السلام</small>
۹۴	..... نکته پایانی
۹۵	..... امام حسن بن علی <small>علیه السلام</small>
۹۸	..... شرح حال امام حسن <small>علیه السلام</small>
۹۹	..... امام حسن <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم
۱۰۲	..... امام حسن <small>علیه السلام</small> در احادیث رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۰۳	..... تصریح خلافت امام حسن <small>علیه السلام</small>
۱۰۴	..... عبادت آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۱۰۵	..... سیره آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۱۰۶	..... احسان و کرم آن حضرت <small>علیه السلام</small>
۱۰۸	..... خطبه‌های آن حضرت <small>علیه السلام</small>

۱۱۳.....	سفارش های آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۴.....	نامه های آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۶.....	حکمت های آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۱۸.....	پاسخ های امام مجتبی <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۳.....	دعاهای امام حسن <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۵.....	استجابات دعای آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۶.....	اشعار آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۲۹.....	صلح آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۳۵.....	مناظره امام مجتبی <small>علیه السلام</small> با معاویه و اصحابش.....
۱۴۳.....	شهادت امام حسن <small>علیه السلام</small> .....
۱۴۶.....	سخنان علما و بزرگان درباره آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۰.....	نکته آخر.....
۱۵۱.....	امام حسین بن علی <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۴.....	شرح حال امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۶.....	امام حسین <small>علیه السلام</small> در قرآن کریم.....
۱۵۸.....	احادیث رسول <small>صلی الله علیه و آله</small> درباره امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۵۹.....	تصریح خلافت امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۰.....	عبادت آن حضرت <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۲.....	روش و رفتار امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۳.....	نیکی و بخشش امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۶۶.....	خطبه های امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۲.....	وصیت های امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۳.....	نامه های امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۵.....	حکمت های امام حسین <small>علیه السلام</small> .....
۱۷۶.....	پاسخ های امام حسین <small>علیه السلام</small> به مسائل مختلف.....
۱۷۸.....	دعاهای کوتاه امام حسین <small>علیه السلام</small> .....

۱. از دعاهای آن حضرت ﷺ: ..... ۱۷۹
۲. از دعای آن حضرت ﷺ در صبح و شام: ..... ۱۷۹
۳. دعای آن حضرت ﷺ در طلب توفیق: ..... ۱۷۹
۴. دعای آن حضرت ﷺ بعد از نماز واجب: ..... ۱۸۰
۵. از دعای آن حضرت ﷺ در کعبه: ..... ۱۸۰
۶. از دعای آن حضرت ﷺ در روز عاشورا قبل از آغاز جنگ: ..... ۱۸۰
۷. وقتی که فرزندش، علی اکبر، به اهل کوفه حمله کرد: ..... ۱۸۱
۸. وقتی بملة بن کاهل اسدی تیری به سوی عبدالله علی اصغر، طفل شیرخواره، افکند ..... ۱۸۱
۹. سی ار الحتوف تیری بر پیشانی آن حضرت ﷺ زد. ..... ۱۸۲
۱۰. هنگام شهادت عبدالله بن حسن بن امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: ..... ۱۸۲
- اجابت دعاهای امام حسین ﷺ در روز عاشورا ..... ۱۸۲
- شعر آن حضرت ﷺ ..... ۱۸۵
- انقلاب امام حسین ﷺ ..... ۱۹۱
- شهادت امام حسین ﷺ ..... ۱۹۴
۱. شب عاشورا: ..... ۱۹۵
۲. نماز: ..... ۱۹۵
۳. ناخشنودی امام ﷺ از این که آغازگر جنگ باشد ..... ۱۹۶
۴. جنگ و شهادت: ..... ۱۹۶
۵. شهادت دیگر انصار و بنی هاشم ..... ۱۹۷
۶. شهادت عباس ﷺ ..... ۱۹۷
۷. حمله حسین ﷺ ..... ۲۰۰
۸. درخواست کمک آن حضرت ﷺ ..... ۲۰۰
۹. بیرون آمدن امام زین العابدین ﷺ از خیمه برای جنگ: ..... ۲۰۰
۱۰. وداع با اهل بیت ..... ۲۰۰
۱۱. عبدالله شیرخوار ..... ۲۰۱
۱۲. حمله دیگر امام حسین ﷺ ..... ۲۰۱
۱۳. برگشت آن حضرت ﷺ به خیمه ها ..... ۲۰۳

۱۴. هجوم لشکر..... ۲۰۳
۱۵. کشته شدن محمد و عبدالله..... ۲۰۴
۱۶. حمله به امام حسین علیه السلام..... ۲۰۵
۱۷. دعای آن حضرت علیه السلام..... ۲۰۶
۱۸. فریاد و محمداها!..... ۲۰۶
- سخنان علما و بزرگان درباره آن حضرت علیه السلام..... ۲۰۷
- نکته پایانی..... ۲۱۲
- امام علی بن حسین علیهم السلام..... ۲۱۳
- شرح حال زندگی امام علی بن الحسن علیهما السلام..... ۲۱۷
- تصریح بر خلافت امام سجاده علیه السلام..... ۲۱۸
- عبادت آن حضرت علیه السلام..... ۲۱۹
- سیره امام زین العابدین علیه السلام..... ۲۲۱
- نیکی و بخشندگی امام زین العابدین علیه السلام..... ۲۲۴
- آزاد کردن بردگان به دست باکرامت حضرت زین العابدین علیه السلام..... ۲۲۶
- خطبه های امام سجاده علیه السلام..... ۲۲۷
۱. خطبه آن حضرت علیه السلام در کوفه:..... ۲۲۸
۲. خطبه امام سجاده علیه السلام در شام:..... ۲۲۹
۳. بخشی از خطبه اما زین العابدین علیه السلام در مدینه:..... ۲۳۱
- وصیت های آن حضرت علیه السلام..... ۲۳۲
۱. بخشی از وصیت آن حضرت علیه السلام به فرزندش امام باقر علیه السلام:..... ۲۳۳
۲. از وصیت های امام زین العابدین علیه السلام به یکی از اصحابش:..... ۲۳۳
۳. وصیت آن حضرت علیه السلام به الزهرا:..... ۲۳۳
۴. یکی از وصیت های امام علی بن الحسن علیهما السلام به اصحابش:..... ۲۳۴
۵. امام باقر علیه السلام فرمود: «علی بن الحسن علیهما السلام به فرزندش می فرمود:..... ۲۳۴
۶. وصیت حضرت زین العابدین علیه السلام به اصحاب و شیعیانش و یادآوری به آنها در هر جمعه:..... ۲۳۴
- نامه های امام زین العابدین علیه السلام..... ۲۳۶

## مقدمه

### امامت

✦ وقتی ما را مولا خدای متعال از باب لطف لازم دانستیم که کسی را برای ارشاد و انداز مردم برگزیند، نا آنها را به راه راست دعوت کند و نشانه‌های دین را به آنها بیاموزد و روشی را که خواست است برای آنها برپا دارد تا حجتی از او بر آنها باشد؛ چنان‌که خود می‌فرماید: «قَلِيلٌ الْحَيَّةُ الْكُفَّةُ»<sup>۱</sup> پس دلیل راسخ برای خداست. و این ارشادکننده و بیم‌دهنده رسول خدا محمد ﷺ است. به مہجرات، درستی او را تأیید و برهان، به گفتار او کمک کرده است و این معجزه جاوید و برهان ارزنده قرآن کریم است که به هیچ‌وجه باطل در آن راه نیافته و از سوی خداوند کریم نال شده و چهارده قرن است که بشریت را به مبارزه می‌طلبد تا مانند آن را بیاورند؛ سپس برای آنها تنزیف داده و عجز و قصورشان را دیده و فرموده است: «فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ»<sup>۲</sup> پس ده سوره مانند آن را بیاورید. سپس برای آنها کم کرده و فرموده است: «فَأْتُوا بِسُورَةٍ»<sup>۳</sup> سوره‌ای مانند آن بیاورید. پس از آن‌که عجز آنها را آشکار و ناتوانی‌شان ظاهر شد، خدای متعال فرمود: «قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الرُّسُلُ وَالْجِبْنَ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا»<sup>۴</sup> آنها و پریان متحد شوند که مانند این قرآن را بیاورند، هرچند یکدیگر را در این کار کمک کنند، همانند آن را نخواهند آورد.

پس محمد ﷺ همان فرستاده از جانب خدای متعال به سوی مردم است تا آنها را از نادانی و حیرت گمراهی نجات دهد و او آن‌چه را مأمور بود ابلاغ کرد و به آن‌چه مکلف بود، قیام کرد و ناچار بود که به اعلا علیین بیبوند و مرگی که چاره‌ای از آن نیست او را گرفت. «إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ»<sup>۵</sup> تو می‌میری و آنها هم می‌میرند. «سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»<sup>۶</sup> این سنت خداوند در اقوام پیشین است و برای سنت الهی هیچگونه تغییری نخواهی یافت. ناچاراً بعد از او چند حالت را می‌توان تصور کرد:

۱. این دین ملغی شود و احکام اسلام باطل گردد زیرا نبوت آن حضرت ﷺ مقرون به زمان



حیات وی بوده و آن سپری شد؛ پس مردم به جاهلیت اولیه خود برگردند.

۲. این که مردم را به اطمینان به تبخّر و تدین آنها و این که آنان خبره بوده، می توانند خود مدیریتشان را اداره کنند و راهی را که برایشان ترسیم کرده، سیر کنند، آنان را به حال خود رها کرده تا آن جا که نیازی به شریعت او نداشته باشند تا کسی احکام آن را تفسیر و حدود آن را برای آنان اجرا کند.

۳. یا این که بعد از او اختیار در دست امت باشد تا مجتمع شوند و امامی را از بین خود انتخاب کنند و او را بر خود بگمارند.

۴. این که پیامبر ﷺ راهنما و امامی برای امت نصب کند و مردم را به پیروی و اطاعت از وی دستور دهد. و اگر به واقعیت بنگریم و بند تعصب و کینه را از سینه مان برکنیم و در این امور به طور منطقی بحث کنیم، گفتار اول، که لغو شریعت باشد باطل است؛ چرا که اسلام آخرین شریعت و برش است که خدا برای همه بشریت اراده کرده است، همان طور که خدا می گوید: «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ»<sup>۱</sup> «دین نزد خدا اسلام است.» اگر شریعت احمدی فقط مربوط به زمان زندگی پیامبر ﷺ بود پس بی زحمت در دعوت به بیشتر افراد بشریت نرسیده بود و راه هدایت و سلامت را برایشان بنا نشده بود و بطلان آن از طرف دیگر این که این همه فداکاری بزرگ برای این دین و جانفشانی ها بنا بر این نظر آن بود که این دین باقی و محفوظ باشد. و ما اگر از دید افکار سیاسی و احزاب عقیدتی، ننگ به می بینیم که مسلمانان افکارشان را برای مدت طولانی بنا نهاده و روششان را برای نسل های آینده تسمیم کرده اند.

و برای ابطال این گفتار نیازی به اطالة کلام نیست و فساد آن روشن است و کسی از این امت و یا غیر آن چنین مطلبی را نگفته است.

**و گفتار دوم** - این که پیامبر به دلیل اطمینان به هوش و تدبیر مردم، آنها را رها کند، به خود واگذارد. این گفتار از گفتار اولی بی پایه تر و نادرست تر است؛ زیرا غیر ممکن است لشکر بدون فرمانده متحد شود و امر خود را سامان دهد.

و ملت به رئیسی نیازمند است که امور آنها را تدبیر و حقوق آنها را حفظ کند بلکه خدای متعال برای این جسم کوچک مرکز و رئیسی قرار داده و آن قلب است. حواس در احساسش به آن مراجعه می کند و از آن دستور می گیرد. چگونه ممکن است رسول خدا ﷺ مردم را با اطمینان بر زیرکی و شایستگی شان، ترک کند که خود سرنوشتشان را به دست گیرند. به فرض این که صحابه و بزرگان امت ممکن است به علت نزدیکی به رسول خدا ﷺ

و گرفتن دستور از او از ارشادکننده و حاکم بی نیاز باشند. سرنوشت شهرهای دورافتاده و ملت‌های پراکنده چه می‌شود. چه کسی به آنها دین را می‌آموزد و احکام را برای آنها بیان می‌کند و چه کسی حدود را اجرا می‌کند و چه کسی متجاوزین را سرکوب و حمله کافرین را دفع می‌کند؟

بلی، اگر نوع انسان به نوع ملائکه تبدیل شود و ساکنین آسمان‌ها در کرة زمین سکونت گزینند، این حالت ممکن است زیرا آنها برتر از آنند که متهم گردند و پاک‌تر از آنند که نافرمانی نمایند.

**و جواب دربار امر سوم -** این که امت، حاکم و سلطانی را اختیار کند. ممکن نیست که مردم بر شخص معینی که آن شخص دارای مزایای کمال و دانش کافی باشد جمع شوند و چگونه همه مردم بر یک شخص جمع شوند، درحالی‌که آنها آراء و افکار متفاوت و خواست‌ها و روش‌های مختلفی دارند.

و امروزه در عصر قانون و دموکراسی مردم نمایندگان خود را انتخاب می‌کنند و نمایندگان حکومت را تعیین می‌کنند. به این اختیار کامل می‌دهند. با این حال در همان اول در هر شهری اعتراض‌هایی می‌شنویم و می‌بینیم که به سیاست حکومت در هر مجلس و محفلی انتقاد می‌کنند و روزنامه‌های مخالف، اتهام را متوجه حکومت می‌سازند و بدگویی زیاد می‌شود و حتی دولت سرنگون می‌شود. مردم ما در نظر گرفتن نمایندگان قبلی، بین نمایندگان بهترین را مجدداً انتخاب می‌کنند. ایها برگزیده ملت و انتقادکنندگان امتند. اگرچه اعتراض گذشتگان تحقق پیدا کند و لکن اختراعات دیگری پیدا می‌شود. روزنامه‌ها و احزاب دیگر که انتقاد می‌کنند چه بسا کمتر از اولی نباشند.

پس ممکن نیست که مردم بر شخص معینی که دارای شایستگی و دانش کافی باشد، جمع شوند. به فرض، آنها همه از دورترین نقاط شرق تا دورترین نقاط غرب بر شخصی توافق کردند، آیا انتخابشان از انتخاب خدا برای آنها بهتر است؟ آیا نظرشان از نظر خدا برای آنها برتر است؟ استغفرالله! گمان نمی‌کنم هیچ مسلمانی این را بگوید، زیرا بشر هرچه علم و شناخت داشته باشد، باز در انتخاب دچار اشتباه شده و راه حکمت و صواب را از دست می‌دهد و بر طریق مثال: پیامبر خدا موسی بن عمران علیه السلام آن‌گونه که

خدا فرموده: «وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا»<sup>۸</sup> موسی از قوم خود هفتاد تن از مردان را برای میعاد ما برگزید، به اعتقاد این که آنها بهترین افراد این امتند.» و با آنها به مناجات آمد. پس گفتند: «لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً»<sup>۹</sup> هرگز به تو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکارا ببینیم.»

نصائح و موعظه آن حضرت علیه السلام برای آنها سودی نداشت تا صاعقه آسمانی آنها را گرفت. و سر این درخواست غیر مشروع آنها گزینش آنها بود چون آنها برترین افراد اصحاب او نبودند. در صورتی که او پیامبر مرسل بود.

موضوع انتخاب امام مخصوص ذات اقدس الهی است چنانچه او می‌فرماید: «وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ»<sup>۱۰</sup> و پروردگار تو است که هر که را بخواهد خلق می‌کند و هر کس را بخواهد آن را برای شما بهتر است برمی‌گزیند.» موضوع امور دین چیز دیگری است همانطور که خدا در تعداد رکعات نماز و در وجوب زکات با بشر مشورت نمی‌کند و در صدور تعالیم اسلام و وجوب حلالا حرام از آنها رأی نخواسته، بلکه خدای متعال دستور داده است و بر آنها واجب گردانیده است. انتخاب امام هم، چنین است.

## امامت به چه چیز ثابت می‌گردد؟

امامت به دو چیز: نصّ قرآن و فریض رسول صلی الله علیه و آله بر امام ثابت می‌شود و لذا به تصریحات زیاد قرآن و رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبنی بر امامت امیرالمؤمنین علیه السلام، همانطور که تاریخ معجزه‌های فراوان و کرامات زیادی را برای او ثبت کرده است، می‌خوانیم.

امروزه بعد از گذشت چهارده قرن از زندگی علمای علیهم السلام اعجاز او را از هر خطبه‌ای از خطبه‌هایش، و در هر فصلی از فصل‌های آن علیهم السلام می‌کنیم. سپس بعد از آن از جواب‌ها و قضاوت‌های آن حضرت علیه السلام سخن به میان می‌آوریم. اگر تمام مردم جمع شوند تا جواب یکی از پاسخ‌هایی را که آن حضرت فی‌البداهه داده، بدهند یا در یکی از قضاوت‌هایی که امام انجام داده داور می‌کنند نمی‌توانند.

و وقتی امامت امیرالمؤمنین علیه السلام به تصریح رسول الله صلی الله علیه و آله و به صدور معجزه از دست او ثابت شد، پس امامت فرزندانش علیهم السلام به تصریح رسول الله صلی الله علیه و آله و به تصریح هر یک از آنها برای دیگری و به صدور معجزه از دست آنها، ثابت می‌شود.